



مبانی شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی بر اساس بیانیه‌ها و منشورهای بین‌المللی

محمّد مسعود: دانشیار معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران *
حمیدرضا بیگزاده‌شهرکی: دانشجوی دکترای مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۷، صص ۸۵-۱۰۸

چکیده

ساخت و سازهای جدید در راستای تداوم حیات در بافت‌های تاریخی، ضرورتی گریزناپذیر هستند، اما امروزه - به ویژه در کشورهایی مانند ایران - به دلیل فقدان هدایت لازم، به نوبه خود به یکی از تهدیدهای جدی فرا روی بافت‌های کهن مبدل گردیده‌اند. با توجه به حساسیت و اهمیت حفاظت از بناها، بافت‌ها و شهرهای تاریخی، بیانیه‌ها و منشورهایی در مقیاس بین‌المللی شکل گرفته‌اند که به منظور جهت‌دهی به انواع مداخلات در بافت‌های کهن، قابل رجوع هستند. پرسش اولیه اینست که آیا این اسناد بین‌المللی، به مقوله ساخت بناهای میان‌افزا توجهی داشته‌اند؟ در این صورت، چه رهنمودهایی در راستای هدایت ساخت و سازهای جدید میان‌افزا در اسناد یاد شده قابل جستجو است؟ این نوشتار با رویکرد پژوهش در متن و تحلیل و تفسیر محتوایی آن شکل گرفته است و در آن با هدف پاسخ به پرسش‌های فوق و در جهت دستیابی به رهنمودهای یاد شده، ضمن بررسی و کاوش در متون تعدادی از مهم‌ترین اسناد منتخب بین‌المللی، گزاره‌های مؤثر و مرتبط با هدایت بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی استخراج شده‌اند. سپس از طریق بررسی و تحلیل گزاره‌ها در چارچوب دانش مرمت و به عبارت دقیق‌تر با نگاه مرمت و طراحی شهری، مبانی و معیارهای شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی، تبیین و ارائه گردیده‌اند. دستاوردهای این پژوهش نشان از افزایش روزافزون توجه اسناد و مصوبات بین‌المللی به مقوله بافت و شهر تاریخی داشته و اهتمام نسبت به «زمینه»، تلاش در جهت «تداوم» الگوهای کهن، «انسجام» و هم‌پیوندی اجزای جدید و قدیم در جهت ارتقای جذابیت سکونت در بافت‌های تاریخی و حفظ کلیت یکپارچه آنها را به عنوان مهم‌ترین مبانی و معیارهای شکل‌گیری ساخت و سازهای جدید در شهرهای تاریخی ارائه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: بناهای میان‌افزا، بافت، شهر تاریخی، زمینه، بیانیه‌ها، منشورهای بین‌المللی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

آثار تاریخی هر سرزمین در حکم شناسنامه فرهنگی و اسناد هویت آن سرزمین هستند (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۳). در این میان، بافت‌ها و مجموعه‌های شهری در برآیند شرایط ویژه‌ای پدید آمده‌اند و در ادوار مختلف تاریخ، تحولاتی را پشت سر گذارده‌اند تا به شکل کنونی درآمده‌اند و از این رو، شخصیت و موجودیتی یگانه و تکرارناپذیر یافته‌اند. در کشور ما این آثار بی‌بدیل، در دوران معاصر و در اثر عوامل مختلف دچار دگردیسی و فروپاشی گردیده‌اند. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه، دخالت‌های کالبدی، تخریب‌ها و نوسازی‌های صورت گرفته در بافت‌ها بوده است که به صورت افسار گسیخته و بدون قاعده و ضابطه مشخصی رخ داده و چهره بسیاری از شهرهای تاریخی ما را کاملاً دگرگون نموده است؛ اما در همان حال، در کشورهای بنیان‌گذار جریان نوگرایی، اندیشه حفاظت از داشته‌های فرهنگی و تاریخی در حال نزع گرفتن بوده است. این جریان از حدود نیمه قرن بیستم وارد مرحله جدی‌تری شده که نهایتاً شکل‌گیری اسناد، منشورها و معاهدات بین‌المللی را در پی داشته است. با وجود آنکه کشور ما همواره به عنوان یکی از مهدهای تاریخ و تمدن به شمار می‌رفته، اما در عرصه حفاظت و سیانت از آثار کهن و به ویژه شهرهای تاریخی، غفلت از تحول و تکامل نگاه‌ها و اندیشه‌های بین‌المللی و در کنار آن فقدان مبانی نظری و عملی در مقیاس داخلی باعث گردیده تا امروز در وضعیت نامطلوبی قرار داشته باشیم. این نوشتار به نوبه خود به دنبال پر کردن بخشی از خلأ یاد شده در زمینه استنتاج و تدوین دیدگاه‌ها و نگاه‌های جهانی به مقوله ساخت و

سازهای جدید «میان‌افزا»^۱ در بافت‌های تاریخی بوده است؛ هرچند ضرورت تدوین منشورهای داخلی و بومی برای هدایت مداخلات در آثار و مواریت فرهنگی و تاریخی در ایران همچنان وجود دارد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

الف - ایجاد بستر نظری مناسب به منظور حفاظت از آثار معماری و بافت‌های تاریخی در معرض مداخله
ب - همگامی با دیدگاه‌ها و رویکردهای جهانی در حفاظت از بافت‌های تاریخی شهرها
ج - حفظ امکان ثبت و معرفی جهانی بافت‌های کهن و مستعد شهرهای تاریخی ایران
د - جلوگیری از آسیب به شهرهای تاریخی در اثر ساخت و سازهای بی‌ضابطه و به ویژه درشت‌مقیاس
ه - ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در حفاظت از شهرهای تاریخی در پرتو دیدگاه‌های جهانی

۱-۳- اهداف

الف - تحلیل سیر تحول دیدگاه‌ها و تبیین نگرش غالب اسناد جهانی درباره مقوله ساخت و ساز در محدوده بافت‌های تاریخی شهرها
ب - استخراج و انشاء مبانی و معیارهای کارآمد در هدایت ساخت و سازهای جدید در شهرهای تاریخی
ج - دستیابی به سطح مناسبی از حفاظت بافت‌های تاریخی در مقابل آسیب‌های ناشی از مداخلات^۲ نوسازی^۳ در عین حفظ جریان طبیعی زندگی در آنها.

۱-۴- پیشینه پژوهش

مرور بر گذشته نشان از آن دارد که از قرن نوزدهم به بعد، مرمت بناها و مجموعه‌های تاریخی و شهری مورد توجه قرار گرفت و به تدریج در این زمینه،

1. Infill

۲ در این مقاله هر جا از واژه «نوسازی» استفاده می‌شود، مفهوم ایجاد و احداث ساخت و سازهای جدید مورد نظر است.

3. Interventions

منشور بورا (۱۹۹۶م.)، بیانیه سنت آنتونیو (۱۹۹۶م.)، بیانیه استکهلم (۱۹۹۸م.)، بیانیه ایکوموس (۱۹۹۸م.)، بیانیه مکزیکوسیتی (۱۹۹۹م.)، بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰م.)، بیانیه شیان (۲۰۰۵م.)، بیانیه کبک (۲۰۰۸م.)، منشور نیوزیلند (۲۰۱۰م.)، کنفرانس مادرید (۲۰۱۱م.)، اصول والتا (۲۰۱۱م.)، منشور ایکوموس (۲۰۱۱م.) و...

علی‌رغم آنکه بیانیه‌ها و منشورهای بین‌المللی به عنوان اسنادی جهانی و مورد پذیرش جامعه بین‌الملل در زمینه نحوه مواجهه و مداخله در آثار تاریخی تلقی می‌گردند و با روندی متداوم، مورد ویرایش و تکمیل قرار می‌گیرند اما در کشور ما آنچنان که باید مورد توجه جدی و نگاه عملیاتی قرار نگرفته‌اند. البته در بیشتر کتب و رسالات مربوط به مرمت، مرمت شهری و گاه شهرسازی، به طور معمول اشاره‌هایی به مفاد منشورها و بیانیه‌ها گردیده است اما در غالب موارد، این اشارات از بیان برخی بندها و مواد آیین‌نامه‌ها و منشورها فراتر نرفته‌اند. می‌توان ادعا نمود که پرداختن به اسناد بین‌المللی - مشخصاً در رابطه با نحوه هدایت معماری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی - تا حدود زیادی بکر و دست نخورده باقی مانده است.

۱-۵- سؤال‌ها و فرضیه‌ها

الف - آیا بیانیه‌ها و منشورهای بین‌المللی، مقوله بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی را مورد توجه قرار داده‌اند؟
 ب - این اسناد در برگیرنده چه گزاره‌هایی در رابطه با ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی هستند؟
 ج - به اتکای این اسناد، چه مبانی و معیارهایی را می‌توان به منظور هدایت ساخت و سازهای جدید میان‌افزا در بافت‌های تاریخی ایران انشاء نمود؟
 در نگاهی کلی به بیانیه‌ها و منشورهای جهانی به نظر می‌رسد که در این اسناد، نیم‌نگاهی به ساخت و

شیوه‌نامه‌های مدون حفاظت و مرمت تهیه شد. تا پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی کارشناسان مرمتی، شهر را با نگاهی فلسفی می‌نگریستند اما پس از سال ۱۹۱۰ میلادی در این زمینه تغییر و تحول مهمی آغاز شد؛ به طوری که بافت تاریخی شهرها به شدت مورد توجه قرار گرفت و شهرسازی به منزله علم جدیدی مطرح شد که در مورد چگونگی مداخله در بافت‌های تاریخی تصمیم می‌گرفت. در واقع از قرن بیستم بود که قطع‌نامه‌ها، منشورها و مصوبات مهمی در مورد مرمت شهری تدوین شد و اسناد تأثیرگذاری در مقیاس بین‌المللی تصویب شدند. هرچند ممکن است امروزه برخی از این قطع‌نامه‌ها مورد انتقاد قرار داشته باشند، اما مهم آن است که این قطع‌نامه‌ها در مسیر کلی خود، روند تکاملی داشته و به تدریج به جنبه‌های بیشتری توجه کرده‌اند و کامل‌تر شده‌اند (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۸۵ و ۸۶). مرور بر تحول منشورهای بین‌المللی، سیر تدریجی آنها به سمت افزایش توجه به مقوله بافت‌ها و هسته‌های تاریخی شهرها را نشان می‌دهد (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۲ و ۸۳).

برخی از بیانیه‌ها و منشورهایی که مسقیم یا غیر مستقیم در رابطه با شکل‌گیری معماری میان‌افزا، دارای احکام و معیارهایی هستند عبارتند از: منشور آتن (۱۹۳۱ و ۱۹۳۳م.)، منشور ونیز (۱۹۵۷م.)، توصیه‌نامه یونسکو (۱۹۶۲م.)، قطعنامه کنگره بین‌المللی ونیز (۱۹۶۴م.)، کنگره رم (۱۹۷۲م.)، بیانیه بوداپست (۱۹۷۲م.)، شورای اروپا (۱۹۷۵م.)، بیانیه روتنبرگ (۱۹۷۵م.)، کنگره آمستردام (۱۹۷۵م.)، توصیه‌نامه یونسکو (۱۹۷۶م.)، توصیه‌نامه ناپروبی (۱۹۷۶م.)، بیانیه ترینیدا (۱۹۸۲م.)، منشور واشنگتن (۱۹۸۷م.)، دستورالعمل کلمبو (۱۹۹۳م.)، سند نارا (۱۹۹۴م.)،

سازهای جدید در بافت‌های تاریخی وجود داشته و معیارهایی برای افزوده‌های جدید در بافت‌های کهن ارائه شده‌اند. بر این مبنای چنین به نظر می‌رسد که توجه به «زمینه»، «تداوم» و حفظ «انسجام» و کلیت یکپارچه شهرهای تاریخی، رویکرد اصلی معاهدات و منشورهای جهانی - به ویژه در ادوار متأخر - بوده است.

۶-۱- روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد ویژه به پژوهش در متن و تحلیل و تفسیر محتوایی آن، مواد اولیه خود را از متون بیانیه‌ها و منشورهای جهانی برمی‌گیرد و غالباً بر بازخوانی، تحلیل متون و قیاس محتوای آنها با یکدیگر استوار است. به منظور بهره‌گیری از دیدگاه‌های جهانی، در گام نخست مفاد بیانیه‌ها، منشورها و توصیه‌نامه‌های جهانی در رابطه با مواریت فرهنگی و تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین و مؤثرترین گزاره‌های طرح شده در آنها که به نوعی با ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی مرتبط هستند استخراج گردیده‌اند. با توجه به گستردگی متون و تعدد گزاره‌ها، در گام بعد از طریق دسته‌بندی و کدگذاری محتوایی گزاره‌ها طی دو مرحله (مرحله اول: تحلیل مقدماتی گزاره‌ها و استخراج مفاهیم کلی و مرحله دوم: کدگذاری مفاهیم و مبانی اصلی)، گزاره‌های گام نخست در تعداد معدودی گزاره کلی‌تر تلخیص، تجمیع و فشرده می‌گردند. در گام نهایی نیز جانمایی محتوایی گزاره‌های مرحله قبل در قالب چند اصل کلی قابل تعمیم و انطباق انشاء می‌گردند.

۷-۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

این پژوهش با پاره‌ای مؤلفه‌های کیفی قابل جستجو در متون مصوبات و منشورها سروکار دارد. با توجه به عنوان و محتوای مورد نظر در این پژوهش، مؤلفه‌های

مربوط به ویژگی‌های کالبدی، سیما و منظر شهری بافت‌ها و شهرهای تاریخی به عنوان مؤلفه‌های اساسی تحقیق متصور هستند. در این راستا، پارامترهای مهم و تأثیرگذاری از قبیل کیفیات طراحی و ساخت ابنیه جدید، کیفیات ذاتی شهر تاریخی و نهایتاً تداوم یا تمایز الگوهای معماری نسبت به زمینه تاریخی موجود، در کانون توجه قرار دارند.

۸-۱- محدوده پژوهش

قلمرو نظری و تحلیل‌های محتوایی این پژوهش در محدوده مصوبات، بیانیه‌ها، منشورها و سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با حفاظت از میراث معماری و شهری ملموس و ناملموس کشورهای جهان تعریف و تحدید می‌گردد. اما از آنجا که این پژوهش به منظور کاربست در روند شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی ایران سامان یافته است، لذا قلمرو و حوزه تأثیرگذاری آن را باید در شهرها، مناطق و بافت‌های تاریخی ایران جستجو نمود.

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۲-۱- بناهای میان‌افزا

در این نوشتار، مقصود از «بناهای میان‌افزا»^۵ بناهای جدیدی هستند که در درون بافت و در میان سایر بناهای تاریخی موجود ساخته می‌شوند. از آنجا که بناهای میان‌افزا به لحاظ دوره زمانی، هم‌دوره سایر بناهای پیرامون نیستند لذا در بیشتر موارد ممکن است ویژگی‌های کالبدی، فضایی و معماری متفاوتی را نسبت به دانه‌های پیرامون بیابند. وقتی فضاها خالی توسط دانه‌ها و اجزای میان‌افزا پر می‌شوند، هم‌نشینی تازه‌ای میان عناصر موجود و بناهای میان‌افزا شکل می‌گیرد که می‌تواند رویکردها و کیفیات بسیار متنوعی

پیدایش آثار هنری، همواره جایگاه ویژه‌ای برای زمینه متصور است، در حوزه معماری و شهرسازی نیز به طریق اولی، زمینه اهمیت خواهد داشت (گروتر، ۱۳۷۵)؛ به عبارت دیگر زمینه را باید بستری فعال و غیر منفعل دانست که محمل پیدایش آثار معماری و شهرسازی قرار می‌گیرد. لازم است به این نکته اشاره شود که زمینه (Context) در اینجا با متن (Text) و بافت (Texture)، دارای نزدیکی ویژه‌ای در لفظ و معناست. جای‌گذاری دانه‌های میان‌افزا، از جهاتی به سان گذاردن واژگانی در میان متن موجود است که بتواند با ساختار و محتوای آن متن، در تعاملی مثبت و معنی‌دار قرار گیرد. این مفهوم در تبیین جایگاه و نقش دانه‌های میان‌افزا در زمینه‌های موجود، تأثیر چشمگیری خواهد داشت.

- تبیین چارچوب نظری

آنچه در این پژوهش بیشتر مد نظر بوده و متون مورد بررسی نیز غالباً در همین زمینه اشاراتی را نشان می‌دهند، در سه سطح قابل تبیین است:

- سطح اول، ناظر بر شکل‌گیری بنای میان‌افزا در مقیاس دانه و به عنوان یک بنای معماری است. در این سطح، کیفیت طراحی معماری دانه و نیز الگوی ساخت و ساز، مصالح، سازه، تأسیسات و... به مثابه یک اثر معماری مد نظر قرار می‌گیرند.

- سطح دوم، طراحی بنای میان‌افزا به عنوان دانه‌ای در بافت را در برمی‌گیرد و به نحوه تعامل آن با دانه‌های پیرامون از دریچه طراحی سیما و منظر شهری مربوط می‌گردد.

- در سطح سوم، طراحی بنای میان‌افزا نه تنها به عنوان طراحی یک بنای صرفاً جدید، بلکه به عنوان اثری در یک زمینه تاریخی و میراثی - هم به لحاظ الگوهای معماری و شهرسازی و هم به لحاظ قرارگیری در یک

را در بر داشته باشد؛ هماهنگی، تضاد، هم‌جواری خنثی، احساس موقتی و گذرا بودن و رویکردهایی از این قبیل، نمونه‌هایی از چگونگی هم‌نشینی و تعامل بخش‌های موجود با دانه‌های میان‌افزوده در بخش‌های خالی هستند (قدیری، ۱۳۸۵).

۲-۲- بافت تاریخی

مقصود از «بافت تاریخی»^۶ در کشور ما، بافت‌های شهری متعلق به دوره‌های ماقبل معاصر است که به لحاظ تاریخی و زمان پیدایش، متعلق به دوران قاجاریه و پیش از آن بوده و در مواردی به دوره پهلوی اول منتهی می‌گردند و بر اساس الگوهای اصیل و ریشه‌دار معماری و شهرسازی ایرانی شکل گرفته‌اند. در مواردی که این بافت‌ها از قدمت، اصالت و غنای تاریخی و معماری بیشتری برخوردار بوده و یا دارای الگوهای دست نخورده، منحصر به فرد و کاملاً اصیل باشند، اطلاق عنوان «بافت ارزشمند» یا «ممتاز» درباره آنها دارای مناسبت و رسایی بیشتری خواهد بود.^۷ بنابراین تمایز آشکاری میان مفهوم «بافت تاریخی» و «بافت فرسوده»^۸ که در تعاریف رسمی معمولاً سه ویژگی غالب «ریزدانگی»، «ناپایداری» و «نفوذناپذیری» برای آن بر شمرده می‌شود (حبیبی... و دیگران، ۱۳۸۶) وجود دارد.

۲-۳- زمینه

واژه کلیدی و اساسی دیگر در این پژوهش، «زمینه»^۹ و به طور دقیق‌تر «زمینه تاریخی» است. همچنان که در

6. Historical Fabric

محمد حسین طالبیان اعتقاد دارد که از دیدگاه سازمان میراث فرهنگی، هر بافت شهری که حدود صد سال یا بیشتر قدمت داشته باشد، بافت تاریخی محسوب می‌گردد، اما ارزش‌های تاریخی که مردم برای یک بافت شهری خاص در نظر گرفته‌اند نیز مهم است. به عنوان نمونه وجود سنت‌های پیوسته یا وجود اسلوب و نظام ساخت و ساز ویژه و مترقی می‌تواند معیار قدمت را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد و بافتی با کمتر از صد سال قدمت را نیز در زمره بافت‌های تاریخی قرار دهد (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۱ و ۷۲).

8. Deteriorated Fabric

9. Context

– منشور چهارمین کنگره آتن (آتن ۱۹۳۳م.)

در سال ۱۹۳۳ در شهر آتن کنگره‌ای بین‌المللی برگزار شد که تمام اصول مطرح شده در آن به نوعی از تفکرات و ایده‌های مدرنیسم متأثر بود. از همین رو همزمان با فروپاشی این نهضت به شدت مورد انتقاد قرار گرفت (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۸۶ و ۸۷). در

بخش‌هایی از این منشور آمده است:

ماده هفتم – کنفرانس توصیه می‌کند که در ساختن بناها، مشخصات و ریخت کالبدی شهر – به ویژه در مجاورت بناهای کهن – در نظر گرفته شوند... (فلامکی، ۱۳۸۴: ۲۳۸).

ماده هشتم می‌گوید: اگر قرار باشد در یک محیط باستانی، بنایی به وجود آوریم باید به سبک ساختمان‌های اطراف احترام بگذاریم، حجم بناهای مجاور را در نظر بگیریم، رنگ و نمای بناها را مورد توجه قرار دهیم. بنایی را که به وجود می‌آوریم باید خنثی یا فاقد جاذبه‌ای خاص باشد. از طرفی نباید حجمش آنقدر باشد که تناسب بناهای باستانی مجاور را تحت‌الشعاع قرار دهد و از نظر رنگ و فرم بر ساختمان‌های اطراف تأثیر بگذارد (قدیری، ۱۳۸۵: ۱۵).

در سایر بخشهای منشور آمده است: زندگی یک شهر رویداد مداومی است که طی قرن‌ها جریان دارد. این تداوم به شهر شخصیت معینی می‌بخشد... (لوکوربوزیه، ۱۳۸۲: ۱۴۹). به کار بردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید واقع در محوطه‌های تاریخی، به اتکای ادعاهای زیبایی‌شناسانه، به عواقب نامیمونی منجر می‌شود (ماده ۷۰). این با آموزش بزرگ تاریخ مغایرت دارد. شاهکارهای گذشته نشان می‌دهند که چگونه هر نسلی طریقه ویژه ابداع‌های خود، اندیشه‌های خود، زیبایی‌شناسی خود را داشته و

پرسپکتیو گسترده جغرافیایی و به ویژه تاریخی – نگریسته می‌شود. بنابراین، مراجعه به متون منشورها و بیانیه‌های جهانی نیز از نقطه نظر چنین سطوحی از تعریف و طراحی بنای میان‌افزا صورت گرفته و احکام و مبانی مستخرجه نیز طبعاً به این نوع نگاه، توجه ویژه‌ای خواهند داشت.

۳- تحلیل یافته‌ها: کنکاش در مصوبات و منشورهای جهانی درباره شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی

۳-۱- مرور کلی بر مفاد قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و منشورها:

– منشور «مرمت» آتن (آتن ۱۹۳۱م.)

این منشور مصوب اولین کنگره بین‌المللی معماران و کارشناسان فنی یادمان‌های تاریخی در کنگره ۱۹۳۱م. آتن بوده و «منشور مرمت»^{۱۰} نامیده شده است. ماده سوم منشور توصیه می‌کند که هنگام ساخت بناها، باید خصوصیات سیمای ظاهری شهرهایی که این بناها قرار است در آنجا بر پا شوند، رعایت گردند. ماده ششم بر این اعتقاد است که مواد و مصالح جدید مورد استفاده باید در تمامی موارد، قابل تشخیص و متمایز باشند.^{۱۱} در منشور کنگره آتن، کاربرد مواد و مصالح ساختمانی مدرن از جمله بتن مسلح همراه با دقت در بکارگیری و تلفیق شیوه‌های مدرن با روش‌های سنتی و بومی تجویز می‌گردد. همچنین در نظر گرفتن مشخصات و تیپولوژی یا ریخت‌شناسی شهر در ساخت بناهای جدید توصیه می‌گردد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۹۴).

10. Carta del Restauro

^{۱۱}. مأخذ برداشت برگردان اولیه عبارات منشور:

به مجموعه منابع فنی ویژه خود توجه داشته است (همان: ۱۵۲).

- کنگره گوینو (۱۹۶۰م.)

این کنگره دو هدف اساسی را دنبال می‌کند: اول این که به نیازهای امروزی ساکنین بافت‌های تاریخی پاسخ دهد و دوم این که کارکرد اجتماعی در شهر و به ویژه در بافت تاریخی را بهبود بخشد (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۰ و ۹۱).

- مصوبه (توصیه‌نامه) یونسکو (۱۹۶۲م.)

این توصیه‌نامه به منظور حفاظت از زیبایی و ویژگی‌های مجموعه و چشم‌اندازهای محیطی شهری و روستایی تدوین گردیده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

- کنگره ونیز (۱۹۶۴م.)

این منشور گرچه کماکان بر بناها تأکید داشت اما مفهوم یادمان تاریخی را به گونه‌ای تعمیم داده بود که نواحی شهری و روستایی تاریخی را نیز در بر گیرد. مفهوم انسجام معماری مورد توجه ویژه نشست و نیز قرار گرفت، اما همزمان بر اصالت و یکپارچگی تاریخی نیز تأکید شد (یوکیلهتو، ۱۳۸۶: ۳۱۵).

در ماده ۶ اشاره دارد که احداث هرگونه ساختمان جدید در محیط تاریخی به طوری که در روابط، حجم و رنگ آن تأثیر بگذارد، به طور کلی ممنوع است.

ماده ۱۲: اجزایی که به منظور جایگزین کردن قسمت‌های از بین رفته بنا به کار می‌روند باید در نهایت هماهنگی با بنا باشند و از طرف دیگر طوری اجرا شده باشند که بتوان مجموع آنها را از قسمت‌های اصلی تشخیص داد و در عین حال به بنا حالتی تصنعی ندهد.

ماده ۱۳: بخش‌های الحاقی به بناهای کهن نمی‌توانند مورد پذیرش واقع شوند مگر آنکه به تمامی بخش‌های

ارزشمند و جذاب ساختمان و همچنین با حفظ حرمت مجتمع ساختمانی کهن به محیط سنتی آن و به پیوندهای آن با محیط اطرافش احترام گذارده باشند.^{۱۲} کنگره ونیز در مجموع ۵ اصل مهم را در زمینه مرمت بناها و مجموعه‌های تاریخی پیشنهاد می‌کند:

- تجویز مداخله در بافت‌های تاریخی

- احترام قائل شدن به افزوده‌هایی که در دوره‌های مختلف به بناهای تاریخی انجام شده است.

- هرگونه اقدام به گونه‌ای باشد که دارای نشانی از زمان مداخله باشد.

- مداخله در بافت‌ها و بناهای تاریخی فقط در صورتی موجه است که بر اساس مدارک و مستندات انجام پذیرد.

- در چشم‌اندازها و مناظر، مداخله ممنوع شده است چون بنا جزئی از یک کلیت منسجم است (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۵ و ۹۶).

در تعریف کلی، «یکپارچگی» (Integrity) را به وضعیت نشکسته و تقسیم نشده، تمامیت مادی، کامل و منسجم بودن اطلاق می‌کنند. این موضوع در بند هشتم منشور ونیز منعکس شده است (یوکیلهتو، ۱۳۸۶: ۳۲۴). پس از قطعنامه ونیز ارتباط با زمینه، ارزشی جهانی یافته است و در صورت جدا کردن بناهای یادمانی از محیط اطرافشان، از ارزش آن کاسته می‌شود (با اقتباس از حبیبی، ۱۳۸۱).

- معیارهای کیوتو (۱۹۶۷م.)

از جمله اصول مورد نظر در این اجلاس «ساخت بناها بدون خراب کردن آثار قدیمی جهت بهبودبخشی معیارها» بوده است. (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۶ و ۹۷).

- اجلاس پاریس (۱۹۶۸م.)

این اجلاس زمانی شکل گرفت که بر اثر توسعه اجتماعی و اقتصادی، شهرها گسترش زیادی یافته

^{۱۲}. مأخذ برداشت برگردان مفاد منشور از: ندا نجف‌سلیمانی.

بودند و روز به روز در حال رشد و گسترش بودند. طبیعی است که در این بین شرکت‌های خصوصی و یا حتی دولتی ممکن است بافت‌های تاریخی را گزینه مناسبی برای این ساخت و سازها تشخیص بدهند. لذا در این سالها بناها و مجموعه‌های تاریخی به واسطه رشد شهرها به شدت در آستانه تهدید و تخریب قرار گرفته بودند. از اصول پیشنهادی این اجلاس اجتناب از هرگونه تخریب بناها یا مجموعه‌های تاریخی بوده است (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۷ و ۹۸).

- کنگره رم (۱۹۷۲م)

این کنگره تأکید می‌نماید که اصالت و شخصیت کلی اندام‌های شهری باید مورد حفاظت قرار گیرد. بدین ترتیب غیر از خود بناهای تاریخی، محیط پیرامون بناها نیز دارای ارزش نگهداری دانسته می‌شوند. از اصول پیشنهادی آن، حفظ اصالت و شخصیت کلی (سازمند) شهر کهن و حفظ اندام‌ها و استخوان‌بندی آنست (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

- گردهمایی پاریس برای حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (پاریس ۱۹۷۲م)

در این گردهمایی، همجواری معماری مدرن با معماری قدیمی ابداً نفی نمی‌شود بلکه با در نظر گرفتن مفهوم محیطی حفظ و ایجاد مناسبت‌های کمی و کیفی در زندگی جدید مجموعه‌ها توصیه می‌گردد (رهنما، ۱۳۸۸: ۳۴۱). در این کنوانسیون، مفهوم «میراث فرهنگی» علاوه بر تک‌بنا و سایت، به «مجموعه بناها» نیز اطلاق گردیده است که این مجموعه‌ها به لحاظ کیفیت و ارزش‌های ویژه معماری، هماهنگی و همگن بودن آنها و نیز نحوه استقرار آنها

در چشم‌انداز و محوطه در بر گیرنده آنها ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌گردند.

- بیانیه بوداپست (۱۹۷۲م)

در این بیانیه، گذشته، حال و آینده به صورت یک کل نگریسته شده که لازم است هماهنگی میان هر سه زمان حفظ گردد. از اصول پیشنهادی این بیانیه، قائل شدن ارزش خاص و ذاتی به مجموعه‌های تاریخی و اجتناب از هرگونه تقلید از مجموعه‌ها و ابنیه تاریخی گذشته بوده است (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

- کنگره بولونیا (۱۹۷۵م)

این کنگره ضمن نفی امکان مداخله، نگرشی موزه‌ای بر بافت‌های تاریخی دارد و در زمینه مداخله در بافت‌های کهن اصولی از جمله دخالت نکردن در عملکرد و گونه‌شناسی بناهای تاریخی و نگاهداری و حفاظت همه جانبه را مطرح می‌کند (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۰۰ و ۱۰۱). به عبارت دیگر به این نکته که نه فقط شکل ظاهری بناها و بافت‌ها، بلکه گونه‌شناسی (تپولوژی) و عملکرد آنها نیز باید حفظ شود اشاره می‌نماید (حیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۲ و ۸۳).

- قطع‌نامه آمستردام (۱۹۷۵م)

در قطع‌نامه ۱۹۷۵ آمستردام ضمن اهمیت دادن به مجموعه‌های معماری، محله‌های شهری و بافت‌های روستایی در کنار تک‌بناهای تاریخی، وظیفه مشترک کشورهای اروپایی می‌داند که از این ثروت‌های مشترک در مقابل تهدیدهایی از جمله ساختمان‌های جدید ناهماهنگ حفاظت نمایند (فلامکی، ۱۳۷۴: ۲۴۷). نباید قاعده‌های معمول و متداول طراحی و قاعده‌های مخصوص حفاظت و حمایت از بناهای تاریخی، بدون هماهنگی با یکدیگر در نظر گرفته

- رعایت مقیاس موجود شهر در تمام توسعه‌های جدید، برای احترام به شخصیت، ساختمان‌های غالب و ارتباط با چشم‌انداز کلی آن

- حفظ کیفیت بصری خاص فضاهای شهری، خیابان‌ها و میداين، نه تنها در «جزایر سنتی» جدا شده بلکه در سراسر بافت شهر...

- پرهیز از تخریب عناصر تاریخی که در نگاه اول ممکن است کم‌اهمیت‌تر به نظر برسد، چون از دست دادن تجمعی آنها جبران‌ناپذیر خواهد بود.

- **توصیه‌نامه ناپروبی** (۱۹۷۶م.)

در اصول پیشنهادی این توصیه‌نامه، مواردی قابل توجه وجود دارد: حداقل تغییرات در الگوی سکونتی ساکنان منطقه، رعایت الگوهای مرسوم مطلوب در نوسازی بافت‌های قدیمی و... (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۴۶ و ۱۴۷). ماده ۳ توصیه‌نامه بیان می‌دارد: هر ناحیه تاریخی و پیرامون آن باید در کلیت خود به عنوان یک کل منسجم که دارای تعادل و طبیعت ویژه‌ای است در نظر گرفته شود. در ماده ۲۸ آمده است: تجزیه و تحلیل بافت شهری باید قبل از هر گونه ساخت و ساز جدید، نه تنها در راستای تعریف ویژگی‌های عمومی گروه ساختمان‌ها بلکه در جهت تحلیل ویژگی‌های غالب آنها صورت گیرد؛ به عنوان مثال هماهنگی در ارتفاع‌ها، رنگ‌ها، مصالح و فرم‌ها، روش‌های ماندگاری که نماها و سقف‌ها بر آن اساس ساخته شده‌اند، ارتباط میان احجام ساختمانی و فضایی، در حد نسبتاً متوسط و موقعیت آنها. لازم است توجه ویژه‌ای نسبت به ابعاد قطعات صورت گیرد؛ از زمانی که این خطر وجود دارد که سازماندهی مجدد قطعات ممکن است باعث تغییر در توده‌ها گردد که این امر می‌تواند به هماهنگی کلیت [بافت] آسیب برساند.

شوند (همان: ۲۵۰). مقررات مربوط به طراحی (شهری) می‌بایست افزایش تراکم را [در بافت‌های تاریخی] مشروط و محدود کند و به ترغیب کیفیت دوباره بخشیدن به بناها، در عوض نوسازی‌هایی که در پی تخریب باید صورت گیرند بپردازد (همان: ۲۵۵).

کنترل کردن این نکته که مواد و مصالح ساختمانی سنتی همیشه در اختیار قرار داشته باشند و نیز اینکه هنرها و فنون سنتی، کاربری خود را استمرار بخشند، اموری مهم به شمار می‌آیند (همان: ۲۵۶). از شروط پیش‌بینی شده در قطعنامه این کنگره است:

- تدوین مقررات ویژه‌ای که ساختمان‌های جدید در بافت‌های قدیم را ملزم به رعایت محدودیت‌های معینی کند؛ مقررات مربوط به حجم (ارتفاع بناها، ضابطه‌های سطح اشغال زمین) و مکان‌یابی بناها به شکلی برخوردار از هماهنگی

- عدم کاربست مواد و مصالح ساختمانی و فنون نو، قبل از دستیابی به توافق با نهادهای علمی مربوط (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۴۵ و ۱۴۶).

- شورای اروپا (۱۹۷۵م.)

از جمله اصول پیشنهادی شورای اروپا، امکان حضور معماری معاصر به شرط انطباق با بافت کهن بوده است (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۴۱).

- بیانیه روتنبرگ (۱۹۷۵م.)

در این بیانیه بر استفاده از مصالح و اشکال بومی و محلی تأکید شده است. از سوی دیگر درج عناصر جدید می‌تواند هماهنگی محیط شهری را بر هم زند؛ افزایش اندازه‌ها و ابعاد مانند ایجاد سوپر بلوک‌های شهری و... به از بین بردن مقیاس شهر و کاهش سطح خدمات آن منجر می‌گردد. بیانیه موارد زیر را لازم دانسته است:

... نباید از خلق عناصر جدید هماهنگ با محیط باز ماند چرا که این قسمت‌ها می‌توانند به غنای منطقه کمک نمایند (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۱: ۱۸۹-۱۹۲).
- منشور شهری اروپا (۱۹۹۲م).

این منشور عنایت ویژه‌ای به مباحث بافت‌های کهن شهری دارد که از جمله آنهاست:

- تشویق ابتکار معمارانه با وجود مراقبت از بناهای تاریخی و توجه به جزئیات در خلاقیت فرم شهری
- خلق معمارانه و توسعه، نقش قاطعی در کیفیت «منظر شهری» ایفا می‌کنند

- نگهداری و گاهی احیاء هنرها، صنایع تخصصی و تکنیک‌ها [ی بومی و سنتی] بسیار ضروریست
- برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید بر پایه حداکثر اطلاعات مربوط به «هویت» و اشکال خاص شهر استوار باشد.

- سند نارا (۱۹۹۴م)
سند نارا در ژاپن در سال ۱۹۹۴م. به منظور اصالت بخشیدن و هویت دادن به ارزش‌ها و میراث‌های محلی و ملی به تصویب رسید (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۵۰). در این سند، تلاش برای تعیین اصالت، توأم با احترام نسبت به تنوع میراث و فرهنگ مورد اشاره قرار گرفته است.

- منشور بورا (۱۹۹۶م)

این منشور توجه به جنبه‌های فرهنگی مکان و بازیابی یا حفاظت اهمیت فرهنگی مکان را گوشزد می‌کند. از اصول مطروحه در این منشور است:

- مکان و دوره‌های تاریخی آن همواره باید مورد احترام و اهمیت باشد.

- بیانیه ترینیدا (۱۹۸۲م)

اصول پیشنهادی این بیانیه در برگرنده «تداوم» معماری بومی و استفاده از مصالح محلی و... است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

- منشور ایکوموس (واشنگتن - ۱۹۸۷م) ۱۳

دگرگونی‌های دهه ۶۰ و ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ میلادی با بی‌توجهی به ارزش‌های تاریخی به ناهماهنگی‌های بسیاری بین ساخت و سازهای جدید و موجودیت شهرهای تاریخی منجر شده بود. لذا شورای ایکوموس در سال ۱۹۸۷م. با نگرانی از روند تخریب شهرهای تاریخی، گردهمایی «واشنگتن» را ترتیب داد و منشوری در زمینه حراست از شهرهای تاریخی صادر کرد (رهنما، ۱۳۸۸: ۳۴۱). از جمله اصول و اهداف این منشور تبیین خصوصیتی است که باید حفظ شوند؛ ویژگی تاریخی بودن شهر یا منطقه شهری و همه عناصر مادی و معنوی که این ویژگی را متجلی می‌سازند، از جمله:

- شکل ظاهری (داخلی و خارجی) ساختمان‌ها که با مقیاس، اندازه، سبک، مصالح ساختمانی، رنگ و تزیینات مشخص می‌شود.

از جمله روش‌ها و ابزارهای منشور نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- هدف برنامه حفاظت باید تضمین رابطه هماهنگ میان مناطق تاریخی و جدید شهر به عنوان یک کلیت باشد.

- اصلاح خانه‌سازی باید یکی از اهداف اساسی حفاظت باشد.

^{۱۳}. اقتباس و نقل بخشی از مطالب از کتاب: «رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی»؛ فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا، (۱۳۸۱)، ترجمه: چراغچی، سوسن.

معرض آسیب هستند و با مشکلاتی از قبیل منسوخ‌شدگی و یکپارچه‌سازی [همسان‌سازی] مواجهند. مداخله در آثار باید به شکلی انجام گیرد که در جهت احترام و حفظ «یکپارچگی» سایت، «پیوستگی» فیزیکی و فرهنگی منظر و «پیوستگی» یک ساختار با پیرامونش باشد. «تداوم» سیستم‌ها و مهارت‌های ساخت و ساز سنتی که در نمود آثار، دارای نقش بنیادی هستند با موجودیت این آثار پیوند خورده است. تغییری که به طور صحیح پاسخگوی نیازها و کاربری‌های معاصر است باید به وسیله مصالحی که «پیوستگی» ظاهر، بافت و فرم را در سراسر ساختار نشان می‌دهد، اجرا شود. «تغییرات» در طول زمان باید قابل تشخیص باشند.

– کنوانسیون میراث معنوی (پاریس - ۲۰۰۳م.)^{۱۵}

از منظر این کنوانسیون، میراث فرهنگی ناملموس، حس «هویت» و «استمرار» را برای جوامع به ارمغان می‌آورد و بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند.

– کارگاه کیمبرلی در میراث معنوی (کیمبرلی - ۲۰۰۳م.)

در اعلامیه کارگاه به ارزش‌هایی کلیدی اشاره گردیده است که از جمله این ارزش‌ها، جنبه‌های نمادین، هویت، فرهنگ، سنت‌های زندگی، جنبه‌های یادمانی و خاطره‌ها و... برشمرده شده است. از موارد قابل توجه در این کارگاه می‌توان به مواردی از قبیل توجه به مهارت‌های سنتی و شیوه‌های ساخت که منجر به حفظ و نگهداری سایت‌های تاریخی تا امروز گردیده‌اند و همچنین شیوه‌های حفظ یکپارچگی اثر میراثی اشاره نمود.

– حفاظت از مکان و در عین حال، حداقل تغییرات کالبدی در مکان که این تغییرات اندک هم نباید منجر به تغییر شکل ساختاری مکان بشود. حفاظت از جلوه‌های ظاهری مکان همچون رنگ، فرم، بافت، مقیاس، مواد و... ضروری می‌باشد (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۱۱ و ۱۱۲).

مطابق این منشور، ساخت و ساز جدید، تخریب و ویرانی، مداخلات نامربوط یا هر تغییر دیگری که به گونه‌ای مضر بر روی موقعیت یا روابط اثرگذار است، مناسب نیست.

– بیانیه سنت آنتونیو (۱۹۹۶م.)

این بیانیه اصالت را در حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی مورد توجه قرار داد. از اصول پیشنهادی این بیانیه، مرتبط بودن اصالت مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی با بافت کالبدی پیرامون و نیز ضرورت درک پیام‌های غنی معنوی - تاریخی از درون بافت‌های تاریخی است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

– بیانیه ایکوموس (۱۹۹۸م.)

مطابق این بیانیه، حق حفظ و پربار کردن تنوع فرهنگ‌ها به عنوان سند هویت فرهنگی هر قوم و ملت باید مورد احترام قرار گیرد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

– بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰م.)

این بیانیه میراث ساخت و سازهای بومی را نمایانگر زندگی معاصر، سند تاریخی جامعه و بخشی از منظر فرهنگی^{۱۴} می‌داند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۵۵). مطابق این بیانیه، در روند یکسان‌سازی فرهنگی و تغییر شکل‌های اجتماعی - اقتصادی، بناهای بومی و معماری محلی در سراسر نقاط جهان به شدت در

^{۱۵} مأخذ اقتباس اطلاعات کنوانسیون:

- بیانیه کنفرانس بین‌المللی حفاظت از میراث ملموس و ناملموس (پاماتو - ۲۰۰۴م.)

این کنفرانس به منظور اتخاذ روشی هماهنگ برای حفاظت از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس شکل گرفته است که با عنایت به مفاد آن می‌توان سیر از توجه به میراث فرهنگی ملموس به سوی تأکید ویژه بر صیانت از میراث فرهنگی ناملموس را که از کنفرانس‌های قبل آغاز شده و در این کنفرانس ادامه یافته است برداشت نمود.

- بیانیه حفاظت از محیط‌های پیرامون ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث (شیان - ۲۰۰۵م.) ۱۶

این بیانیه بر ضرورت توجه کافی به تغییر شکل‌های سریع و یا روزافزون شهرها تأکید نموده است. در واقع این روشی برای کاهش تهدید جریانات تغییر شکل علیه کمال اصالت، معنا، ارزش‌ها، انسجام و تنوع میراث فرهنگی است. محیط پیرامون علاوه بر جنبه‌های مادی و بصری، سنت‌ها و... را نیز در بر می‌گیرد. ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث اعتبار و ویژگی متمایز خود را از ارتباطات پرمعنایشان با بستر و محیط پیرامون مادی، بصری، معنوی و... خود کسب می‌کنند. تعریف محیط پیرامون مستلزم درک تاریخ، تکامل تدریجی و ویژگی نواحی اطراف اثر است. در بند هفتم می‌آورد: هنگام تنظیم اسناد برنامه‌ریزی، باید پیش‌بینی‌هایی برای کنترل کارآمد تأثیر افزوده‌های سریع بر محیط‌های پیرامون به عمل آید. خطوط افق معتبر ساختمان‌ها، خطوط دید و فاصله کافی میان هر ساخت و ساز جدید عمومی یا خصوصی و ساختارها،

محوطه‌ها و مناطق میراث در ارزیابی پیشگیری از تعرضات بصری و فضایی یا استفاده نامتناسب از زمین در محیط‌های پیرامون نقش اساسی دارند. همچنین بند هشتم بیانیه ابراز می‌دارد: شایسته است در ارزیابی‌های تأثیر بر میراث، به هر تحول و ساخت و ساز جدیدی که بر اعتبار ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث و بر محیط پیرامونشان تأثیر می‌گذارد توجه شود.

بند نهم بیانیه می‌افزاید: نرخ تغییر و تأثیرات مجزا و تدریجی تغییر و تغییر شکل محیط‌های پیرامون ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث، روندی تاریخی است که باید دائماً کنترل شده و مدیریت شود؛ این مدیریت، ضرورتاً مستلزم پیشگیری یا ایجاد مانع در برابر تغییر نیست.

- کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی (پاریس - ۲۰۰۵م.)

مطابق این کنوانسیون، تنوع فرهنگی ویژگی متمایز جامعه بشری و میراث مشترک انسان‌هاست و باید به آن احترام گذاشت. این تنوع، ریشه در اصالت و فراوانی هویت‌ها و بیان‌های فرهنگی ملت‌ها و جوامع تشکیل‌دهنده جامعه بشری دارد. این کنوانسیون اهمیت دانش سنتی، به ویژه نظام دانشی بومیان - به عنوان منبع سرمایه معنوی و مادی - و سهم مثبت آن در توسعه پایدار را تصدیق می‌نماید. تنوع فرهنگی نه فقط در روش‌های گوناگون بیان، تقویت و انتقال میراث فرهنگی بشر بلکه در شیوه‌های متنوع آفرینش هنری، تولید، اشاعه، توزیع بهره‌مند - صرف نظر از ابزار و فناوری‌های مورد استفاده - تجلی می‌یابد.

- بیانیه کبک در صیانت از روح مکان (کبک - ۲۰۰۸م.)

۱۶. مأخذ برداشت عمده مطالب و مفاد مربوط به این بیانیه: چراغچی، ۱۳۸۴:

آینده»، حائز اهمیت است. در بخش‌هایی از این منشور آمده است:

بند ۵. احترام به شواهد و دانش باقی مانده: حفاظت، اصالت و انسجام (یکپارچگی) یک مکان را مراقبت می‌نماید... احترام به همه اشکال مختلف از دانش یا شواهد موجود، در راستای اصالت و انسجام (یکپارچگی) مکان، ضرورت دارد...

بند ۶. حداقل مداخله: اقدام صورت گرفته در یک محل واجد ارزش میراث فرهنگی باید در حداقل درجه مداخله سازگار با حفاظت و اصول این منشور باشد. باید از کاستن از بافت یا تغییر در سیما و یا فضاهایی که واجد ارزش میراث فرهنگی هستند اجتناب گردد.

بخشی از بند ۱۷: حد و حدود مداخله به مقصود حفاظت باید متناسب با ارزش میراث فرهنگی مکان و سیاست‌هایی که برای مدیریت آن مکان در برنامه (طرح) حفاظت تعیین گردیده‌اند، هدایت گردد. هر گونه مداخله‌ای که می‌تواند موجب فروکاستن و یا معامله بر ارزش میراث فرهنگی گردد نامطلوب بوده و نباید رخ دهد... خلق مجدد به معنای بازسازی حدسی یک ساختار و یا مکان، تکرار به معنای ایجاد یک کپی از یک ساختار یا مکان موجود و یا سابق، یا ساخت نمودهای تعمیم یافته از سیما یا ساختارهای نوعی (معمولی یا تکراری)، هیچکدام فرآیند حفاظت نبوده و از دایره این منشور خارج خواهند بود.

بخشی از بند ۱۸. حفظ و نگهداری: روش‌ها و ساختمانیه‌های سنتی باید در کار حفاظت اولویت داده شوند. مرمت با استاندارد بالاتر از آنچه از طریق مصالح موجود و یا تجارب ساخت در دسترس است تنها در شرایطی قابل توجیه است که پایداری یا امید به

این بیانیه اظهار می‌دارد که روح مکان^{۱۷} در همه فرهنگ‌های جهان وجود دارد. جوامعی که در مکانی سکنی گزیده‌اند، به خصوص زمانی که آنها جوامع سنتی (عرفی) باشند، لازم است از نزدیک در حراست از خاطرات مکان، سرزندگی، تداوم و معنویت آن مشارکت داشته باشند. از منظر این بیانیه، روح مکان سازمان یافته از عناصر ملموس (محوطه‌ها، ابنیه، چشم‌اندازها، مسیرها و اشیا) و عناصر ناملموس (خاطرات، داستان‌ها، اسناد نوشتاری، جشن‌ها، یادگاری‌ها، آیین‌ها، دانش بومی، ارزش‌ها و بافت‌ها، رنگ‌ها، بوها و غیره) است که به طور همزمان در ساخت مکان و بخشیدن روح به آن حضوری قابل توجه دارند.^{۱۸}

– کنفرانس اروپایی مراقبت میراث از طریق شهروند فعال (بلغیوم – ۲۰۰۹م).

این کنفرانس و مباحث مطرح در آن به طور مستقیم ارتباطی با مباحث ساخت بناهای میان‌افزا در شهرهای تاریخی برقرار نمی‌کند اما نقش ویژه‌ای برای شهروند فعال از نقطه نظر فهم و حفظ میراث فرهنگی و تأثیر آن بر حفاظت از موارث فرهنگی و تاریخی قائل شده و سعی در تربیت چنین شهروندانی دارد.

– منشور ایکوموس درباره حفاظت از ارزش مکان‌های میراث فرهنگی (نیوزیلند – ۲۰۱۰م).

در این منشور اهدافی برای حفاظت از مکان‌های با ارزش میراث فرهنگی برشمرده شده است که از میان آنها «ارائه شواهد ملموس از تداوم بین گذشته، حال و

17. Spirit of Place

^{۱۸}. عبارات برگرفته از متن بیانیه کبک، بر اساس ترجمه تهیه شده توسط آقای مهدی صادق‌احمدی ارائه گردیده‌اند.

حیات سایت یا مصالح افزایش یافته، مصالح جدید با ساختمایه‌های قدیمی سازگار باشند و ارزش‌های میراث فرهنگی مخدوش نگردد.

بخشی از بند ۲۱: هرگونه تغییر باید در حداقل ممکن باشد، به نحو قابل ملاحظه‌ای قابلیت بازگشت داشته باشد و باید عوارض نامطلوب بسیار کم یا هیچ بر ارزش میراث فرهنگی مکان داشته باشد. هرگونه تغییرات یا افزوده‌ها باید با فرم و بافت اصیل مکان سازگار باشند و ضرورت دارد که از تضادهای نامناسب و یا ناسازگار در فرم، مقیاس، توده، رنگ و مصالح پرهیز گردد. اقدام (اثر) جدید باید فرم یا بافت اصیل (اولیه) را تکمیل نماید.

همچنین در قسمت تعاریف منشور آمده است:

- اصالت به معنای اعتبار یا صداقت شواهد باقی مانده و دانش از ارزش میراث فرهنگی یک مکان است. شواهد مربوطه شامل فرم و طراحی، مواد و بافت، فن‌آوری و ساخت، موقعیت و محیط اطراف، زمینه و ویژگی‌ها، کاربری و عملکرد، سنت‌ها، ذات معنوی و حس مکان، و نیز شامل ارزش ملموس و ناملموس می‌گردد.

- انسجام به معنای تمامیت یا دست‌نخورده‌گی یک مکان است که در بر گیرنده معنا و حس مکان و تمامی ویژگی‌های ملموس و ناملموس و عناصر لازم برای بیان ارزش میراث فرهنگی آن مکان است.

- بازسازی به معنای ساخت دوباره در نزدیک‌ترین حالت ممکن نسبت به فرم پیشین با بکارگیری مواد و مصالح جدید است.

- کنفرانس بین‌المللی روش‌های حفاظت از میراث معماری قرن بیستم (مادرید - ۲۰۱۱م).

در برخی مواد این سند آمده است:

ماده ۲: بکارگیری روش مناسب برنامه‌ریزی حفاظت ۲.۱. حفظ یکپارچگی با درک اهمیت قبل از هر گونه مداخله: تحقیقات، اسناد و تجزیه و تحلیل کافی بافت تاریخی لازم است تا راهنمای هر گونه تغییر و یا مداخله باشد.

- تعریف حدود برای تغییرات قابل قبول: برای هر گونه اقدامات حفاظتی، پیش از هر گونه مداخله معماری باید سیاست‌گذاری‌ها و راهنماهایی بنیان نهاده شوند تا محدوده قابل قبولی از تغییر تعیین گردد. ماده ۶: حصول اطمینان از یک رویکرد توأم با احترام نسبت به افزوده‌ها و مداخلات

- پس از تجزیه و تحلیل دقیق، افزوده‌های جدید باید با احترام نسبت به مقیاس، موقعیت، ترکیب، نسبت، ساختار، ساختمایه‌ها، بافت و رنگ سایت میراث طراحی شوند. این الحاقات باید به عنوان بخش‌های جدید قابل تشخیص و در بررسی از نزدیک قابل شناسایی باشند، اما در این جهت که در هماهنگی با بخش‌های موجود کار کنند و آن را تکمیل نمایند توسعه یابند و نه اینکه در رقابت با آن قرار گیرند.

- مداخلات جدید باید به گونه‌ای طراحی شوند که در شخصیت، مقیاس، فرم، موقعیت، مصالح، رنگ و زنگار و جزئیات موجود جذب گردند. با این وجود، طراحی در زمینه به معنای تقلید [از زمینه] نیست.

ماده ۷: احترام به اصالت و یکپارچگی سایت میراث - مداخلات باید به ارتقا و تقویت اهمیت فرهنگی [اثر] منجر گردد.

- در جاهایی که امکان‌پذیر است، مصالح جدید باید متنازماً انطباق داده شوند اما لازم است که از طریق علامت یا تاریخ‌گذاری مشخص و متمایز گردند.

اصول والتا^{۱۹} برای حراست و مدیریت شهرهای بزرگ، کوچک و حومه‌های تاریخی (پاریس - ۲۰۱۱م)

در این سند آمده است ارزش‌های ناملموس نظیر تداوم و هویت، کاربری سنتی و دیگر عوامل اجتماعی - اقتصادی مانند انسجام (یکپارچگی) هستند. سؤالاتی درباره نقش چشم‌انداز به عنوان زمینه‌ای مشترک، یا مفهوم‌سازی منظر شهری شامل توپوگرافی و خط آسمان آن به مثابه یک کلیت، با اهمیت‌تر از گذشته به نظر می‌رسد. تغییر مهم دیگر، در رشد سریع شهرها منحصر می‌گردد که به حساب مسائل توسعه‌های درشت مقیاس گذارده می‌شود، به گونه‌ای که ابعاد بزرگ [شهر] سنتی را که به تعریف مورفولوژی شهر تاریخی کمک می‌کند، دگرگون می‌نماید.

جنبه‌های تغییر: شهرهای تاریخی به عنوان موجودات زنده در معرض تغییر مداوم هستند. تغییر اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند فرصت مغتنمی برای بهبود کیفیت شهرهای تاریخی مبتنی بر شخصیت و ویژگی‌های تاریخی آنها باشد.

تغییر و محیط ساخته شده: معرفی عناصر معماری معاصر باید در احترام به ارزش‌های سایت و ویژگی‌های آن صورت بگیرد. این امر می‌تواند به غنی‌تر نمودن شهر و زنده کردن ارزش تداوم شهری کمک کند. اساس مناسب مداخلات معماری در ویژگی‌های فضایی، بصری، ویژگی‌های ناملموس و عملکردی باید توأم با احترام به ارزش‌ها، الگوها و لایه‌های تاریخی باشد. معماری جدید باید مطابق با سازمان فضایی پهنه تاریخی و احترام به مورفولوژی تاریخی آن باشد در حالی که همزمان، بیان معتبری از گرایش‌های معماری زمان و مکان خویش باشد. صرف

نظر از سبک و شیوه بیان، همه معماری‌های جدید باید از تأثیرات منفی ناشی از تضاد شدید یا بیش از حد، تکه تکه شدن و ایجاد وقفه در تداوم بافت و فضای شهری پرهیز نمایند. لازم است به تداوم ترکیبی که تأثیر نامطلوب بر معماری موجود نمی‌گذارد اولویت داده شود اما در همان حال، به خلاقیتی آگاهانه که پذیرای روح مکان است اجازه ظهور می‌دهد. معماران و برنامه‌ریزان شهری باید در جهت به دست آوردن درک عمیق و درستی از زمینه (بافت) تاریخی شهر تشویق شوند.

بخش ۳- معیارهای مداخله: از جمله معیارهای مداخله در بافت‌های تاریخی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
الف - ارزش‌ها: همه مداخلات در شهرهای تاریخی باید به ارزش‌های فرهنگی ملموس و ناملموس آنها احترام گذارده و آنها را مورد رجوع قرار دهند.

ب - کیفیت: هر مداخله در شهرهای تاریخی و مناطق شهری باید در جهت بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی و کیفیات محیطی هدف‌گذاری گردد.

ج - کمیت: تجمع تغییرات می‌تواند تأثیر منفی بر شهر تاریخی و ارزش‌های آن داشته باشد. باید از تغییرات عمده کمی و کیفی اجتناب شود مگر آنکه نتیجه آشکاری در بهبود محیط شهری و ارزش‌های فرهنگی آن داشته باشند.

د - پیوستگی: شهرها و نواحی تاریخی باید در کلیت خود در نظر گرفته شوند.

ه - تعادل و سازگاری

و - زمان: سرعت بیش از حد تغییر می‌تواند اثر نامطلوبی بر یکپارچگی تمامی ارزش‌های شهر تاریخی داشته باشد.

^{۱۹}. پایتخت کشور اروپایی مالت

باید در صورت بروز مداخلات جدید مورد احترام قرار گیرند.

د- فضای عمومی

- منشور ایکوموس درباره میراث به مثابه عامل محرک توسعه (پاریس - ۲۰۱۱م)

در این منشور، اثرات زیانبار و وسیع جهانی شدن بر ارزش‌های جوامع، هویت و تنوع فرهنگی، مواریت فرهنگی ملموس و ناملموس آنها گوشزد گردیده است. میراث به واسطه ارزش‌های خاص خود در زمینه هویت، حافظه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، حفظ اصالت، یکپارچگی (انسجام) و حس مکان، دارای جنبه حائز اهمیتی در شکل‌گیری طرح کلی فرآیند توسعه است. در بند (۱) و در ذیل عنوان میراث و توسعه منطقه‌ای به مواردی برمی‌خوریم از جمله:

- ترویج یک رویکرد هماهنگ، متوازن و منسجم نسبت به خیابان و مناظر خیابانی، توده‌گذاری و ارتفاع در توسعه شهری

و در پایان بند دوم بیانیه یادآور می‌شود که:

- بناهای سنتی موجود، خزانه تجربیات معماری و یک سرچشمه جهانی پایان‌ناپذیر الهام برای معماری مدرن و خلاقانه به لحاظ مصالح، روش‌های ساخت، طراحی، و کمک به دستیابی به کیفیت مترقی زندگی‌اند.

در جدول (۱) جمع‌بندی اجمالی از مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح در منشورها، بیانیه‌ها و اسناد بررسی شده جهانی ارائه گردیده است:

ز- روش و انتظام علمی: «دانش تاریخ شهر تاریخی یا نواحی شهری باید از طریق بررسی‌های باستان‌شناسانه و حفاظت مناسب از یافته‌های باستان‌شناسی گسترش یابد» (منشور واشنگتن).

گزیده‌ای از بخش ۴: پیشنهادات و استراتژی‌ها

الف - عناصری که باید حفظ شوند:

- اصالت و انسجام شهرهای تاریخی به ویژه:

- الگوهای شهری که توسط شبکه خیابان‌ها، قطعات، فضاهای سبز و ارتباط میان ساختمان‌ها و فضاهای سبز و باز پدید آمده‌اند

- فرم و سیما، درون و بیرون ساختمان‌ها که با ساختار، حجم، سبک، مقیاس، مصالح، رنگ و تزئینات آنها تعریف می‌شود

- سنت‌های فرهنگی، تکنیک‌های سنتی، روح مکان و هر آنچه به هویت یک مکان کمک می‌کند

- ارتباط میان سایت در کلیت آن، بخش‌های تشکیل دهنده آن، زمینه سایت و بخش‌هایی که این زمینه را تشکیل می‌دهند

ب - عملکردهای جدید

ج - معماری معاصر: ... معماری معاصر باید در پیوستگی (انسجام) با طرح فضایی موجود در شهرهای تاریخی باشد... معماری معاصر می‌بایست توأم با احترام به مقیاس سایت، و دارا بودن رابطه‌ای روشن با معماری موجود و الگوهای توسعه زمینه خویش، بیان خاص خود را بیابد. دورنماها^{۲۰}، دیدها^{۲۱} (مناظر)، نقاط کانونی و کریدورهای بصری، بخش‌های جدایی‌ناپذیری از ادراک فضاهای تاریخی هستند که

²⁰. Perspectives

²¹. Views

جدول ۱- دیدگاه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری معماری بناهای میان‌افزا در اسناد بررسی شده

ردیف	نام سند	زمان تصویب	مهمترین دیدگاه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری معماری بناهای میان‌افزا
۱	منشور مرمت آتن	۱۹۳۱م.	امکان استفاده از فنون و مصالح مدرن به شرط قابلیت تشخیص و تمایز لزوم توجه به محدوده‌های پیرامون محوطه‌ها و آثار تاریخی
۲	منشور آتن (چهارمین کنگره بین‌المللی معماران مدرن)	۱۹۳۳م.	توجه به خصوصیات سیمای ظاهری شهر تاریخی و پرهیز از آسیب منظری به بناهای تاریخی جلوگیری از بی‌نظمی و آشفتگی در نظام کالبدی شهر تاریخی غلبه معیارهای کمی و کالبدی بر معیارهای کیفی، ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و زیبایی‌شناختی عدم توجه به بناهای موجود شهر و ترجیح جایگزینی بافت قدیم با بافت جدید نفی شیوه‌ها و الگوهای گذشته و تبعیت شکل و سیمای شهر از عملکردهای آن توجه به مشخصات و ریخت کالبدی شهر به ویژه در مجاورت نزدیک بناهای کهن احترام به منظر شاعرانه و هنرمندانه شهر احترام به ساختمان‌های تاریخی اطراف، حجم، رنگ و نمای آنها ختی بودن و عدم تحت‌الشعاع قرار دادن بناهای اطراف از لحاظ حجم، رنگ، فرم و... توجه به موضوعیت تداوم در حیات شهر تاریخی پرهیز از به کار بردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید تجویز کاربرد مواد و مصالح ساختمانی مدرن همراه با دقت در بکارگیری و تلفیق شیوه‌های مدرن با شیوه‌های سنتی و بومی
۳	کنگره گوینو	۱۹۶۰م.	توجه به نیازهای امروزی ساکنان در بافت تاریخی
۴	توصیه‌نامه یونسکو	۱۹۶۲م.	بهبود کارکرد اجتماعی شهر و به ویژه بافت تاریخی حفاظت از زیبایی و ویژگی‌های مجموعه و چشم‌اندازهای محیطی شهر تاریخی
۵	منشور ونیز	۱۹۶۴م.	توجه به فضاها و مناظر شهری به عنوان آثار تاریخی ضرورت حفاظت از محیط پیرامون اثر و بافت ممنوعیت احداث ساختمان جدید به نحو تأثیرگذار در روابط، حجم و رنگ آنها نهایت هماهنگی اجزای جدید با بخش‌های تاریخی و در عین حال، قابلیت تشخیص و تمایز بدون ایجاد حالت تضاع پذیرش افزوده‌های جدید با حفظ حرمت مجتمع ساختمانی کهن و احترام به محیط اطراف آن اهتمام نسبت به نگهداری بافت‌های تاریخی و در عین حال بهبود وضع آنها تجویز به مداخله با تأکید بر مستندسازی مداخلات و تغییرات ممنوعیت مداخله در چشم‌اندازها و مناظر و توجه به کلیت منسجم شهر تاریخی ضرورت ارتباط با زمینه
۶	معیارهای کیوتو	۱۹۶۷م.	تجویز ساخت بناهای جدید بدون تخریب آثار کهن
۷	اجلاس پاریس	۱۹۶۸م.	اجتناب از هر گونه تخریب بناها یا مجموعه‌های تاریخی حفاظت از اصالت و شخصیت اندام‌های شهری
۸	کنگره رم	۱۹۷۲م.	واجد ارزش دانستن محیط پیرامون بناهای تاریخی حفظ اصالت و شخصیت کلی (سازمند) شهر کهن و حفظ اندام‌ها و استخوان‌بندی آن
۹	گردهمایی پاریس	۱۹۷۲م.	امکان همجواری معماری مدرن با معماری قدیمی اطلاق مفهوم میراث فرهنگی به مجموعه بناها علاوه بر تک‌بناها ارزش‌گذاری بر اساس ارزش‌های ویژه معماری، هماهنگی و همگن بودن آنها و نیز نحوه استقرار آنها در چشم‌انداز در برگیرنده آنها
۱۰	بیانیه بوداپست	۱۹۷۲م.	ضرورت تداوم و هماهنگی میان گذشته، حال و آینده قابل شدن ارزش خاص و ذاتی به مجموعه‌های تاریخی اجتناب از هرگونه تقلید از مجموعه‌ها و ابنیه تاریخی گذشته
۱۱	کنگره بولونیا	۱۹۷۵م.	دخالت نکردن در عملکرد و گونه‌شناسی بناهای تاریخی اهمیت دادن به مجموعه‌های معماری و محله‌های شهری در کنار تک‌بناهای تاریخی
۱۲	قطعنامه آمستردام	۱۹۷۵م.	حفاظت در مقابل تهدید ساختمان‌های جدید ناهماهنگ تدوین مقررات ویژه ساختمان‌های جدید در بافت قدیم (مقررات مربوط به حجم (ارتفاع بناها، ضابطه‌های سطح اشغال زمین)، مکان‌یابی بناها، به شکل برخوردار از هماهنگی) تدوین مقررات مربوط به طراحی (شهری) برای تنظیم تراکم و کیفیت دوباره بخشیدن به بناها، مجموعه‌ها و بافت

۱۳	شورای اروپا	۱۹۷۵م.	عدم کاربست مواد و مصالح ساختمانی و فنون نو، قبل از توافق با نهادهای علمی مربوط امکان حضور معماری معاصر به شرط انطباق با بافت کهن و نیز لزوم معاصر سازی بافت‌ها و تجهیزات زیرساختی اهمیت دادن به محیط پیرامون بادمان‌ها و بناهای تاریخی
۱۴	بیانیه روتنبرگ	۱۹۷۵م.	تأکید بر استفاده از مصالح و اشکال بومی و محلی احتمال خدشه در هماهنگی محیط شهری در اثر درج عناصر جدید با انطباق شهر کهن با فعالیت‌های مدرن لزوم پیوند هویتی با محیط معماری بومی و حفظ کیفیت بومی محیط شهری با توجه به ساختار مسکن، فرم خانه، تکنیک ساخت و ساز و استفاده از مواد و ساختمایه‌های محلی حفظ کیفیت بصری خاص فضاهای شهری، خیابان‌ها و میدانی در سراسر بافت شهر
۱۵	توصیه‌نامه نایروبی	۱۹۷۶م.	اعتقاد به عاملیت تخریب شهرسازی مدرن در مراکز تاریخی شهرها حداقل تغییرات در الگوی سکونت ساکنان منطقه رعایت الگوهای مرسوم مطلوب در نوسازی بافت‌های قدیمی لزوم در نظر گرفتن هر ناحیه تاریخی و پیرامون آن در کلیت خود به عنوان یک کل منسجم هماهنگی در ارتفاع‌ها، رنگ‌ها، مصالح و فرم‌ها، روش‌های ماندگار به کار رفته در نماها و سقف‌ها هشدار نسبت به تأثیر ساماندهی مجدد قطعات در تغییر توده‌ها و احتمال آسیب‌رسانی به هماهنگی کلیت بافت تاریخی
۱۶	بیانیه ترینیدا	۱۹۸۲م.	تداوم معماری بومی استفاده از مصالح محلی
۱۷	منشور واشنگتن	۱۹۸۷م.	ضرورت حفاظت از ویژگی تاریخی بودن شهر و همه عناصر مادی و معنوی که این ویژگی را متجلی می‌سازند (الگوهای شهری، ارتباطات بین ساختمان‌ها و فضاهای باز - ساختمان‌ها (مقیاس، اندازه، سبک، مصالح ساختمانی، رنگ و تزیینات...) تضمین رابطه هماهنگ میان مناطق شهری تاریخی و شهری به عنوان یک کلیت ضرورت خلق عناصر جدید در هماهنگی با محیط و توجه به مقیاس و اندازه توجه ماهرانه به جزئیات در خلاقیت فرم شهری مناسب ضرورت مقررات و مدیریت فضاهای باز در شهر به عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر توسعه شهری وابستگی حیات شهر به تعادل الگوهای مسکونی شهر و حفظ شخصیت مسکونی مرکز شهر نگهداری و گاهی احیاء هنرها، صنایع تخصصی و تکنیک‌ها (ای بومی و سنتی) ضرورت توجه به هویت و اشکال خاص هر شهر تاریخی اصالت بخشیدن و هویت دادن به ارزش‌ها و میراث‌های محلی و ملی احترام به تنوع فرهنگی و میراث
۱۸	منشور شهری اروپا	۱۹۹۲م.	اهمیت حفاظت و بازبانی جنبه‌های فرهنگی مکان تأکید بر حداقل تغییرات کالبدی در مکان و پرهیز از تغییر شکل ساختاری آن حفاظت از جلوه‌های ظاهری مکان همچون رنگ، فرم، بافت، مقیاس، مواد و... نامناسب دانستن ساخت و ساز جدید یا هر تغییر مضر در مورد ویژگی‌های مکان مرتبط بودن اصالت مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی با بافت کالبدی پیرامون درک و فهم پیام‌های غنی معنوی - تاریخی از درون بافت‌های تاریخی - فرهنگی احترام و اعتبار میراث فرهنگی بومی به عنوان سند هویت فرهنگی هر قوم و ملت اهتمام به حفاظت از میراث ساخت و سازهای بومی مداخله در آثار در جهت احترام و حفظ «یکپارچگی» سایت، «پیوستگی» فیزیکی و فرهنگی منظر و «پیوستگی» ساختار با پیرامونش «تداوم» سیستم‌ها و مهارت‌های ساخت و ساز سنتی که در نمود آثار بکارگیری مصالحی که «پیوستگی» ظاهر، بافت و فرم را در سراسر ساختار نشان می‌دهد قابلیت تشخیص و تمایز تغییرات در طول زمان توجه و تأکید بر حس هویت و حفظ استمرار تأکید بر میراث معنوی ناملموس مشتمل بر دانش‌ها و مهارت‌های بومی در حال فراموشی
۱۹	سند نارا	۱۹۹۴م.	عطف توجه به موضوعیت میراث معنوی و ناملموس کشورها توجه به مهارت‌های سنتی و شیوه‌های ساخت حفظ یکپارچگی [موضوعیت انسجام] اثر میراثی
۲۰	منشور بورا	۱۹۹۶م.	حرکت از توجه به میراث فرهنگی ملموس به سوی تأکید ویژه بر صیانت از میراث ناملموس ضرورت توجه کافی به تغییر شکل‌های سریع و یا روزافزون شهرها
۲۱	بیانیه سنت آنتونیو	۱۹۹۶م.	
۲۲	بیانیه ایکوموس	۱۹۹۸م.	
۲۳	بیانیه مکزیکوسیتی	۲۰۰۰م.	
۲۴	کنوانسیون میراث معنوی	۲۰۰۳م.	
۲۵	کارگاه کیمبرلی	۲۰۰۳م.	
۲۶	کنفرانس یاماتو	۲۰۰۴م.	
۲۷	بیانیه شیان	۲۰۰۵م.	

<p>کاهش تهدید جریان‌های تغییر شکل علیه کمال اصالت، معنا، ارزش‌ها، انسجام و تنوع میراث توجه به محیط پیرامون یک ساختار، محوطه یا منطقه تاریخی نقش اساسی خطوط افق معتبر ساختمان‌ها، خطوط دید و فاصله کافی میان هر ساخت و ساز جدید عمومی یا خصوصی و ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث در ارزیابی پیشگیری از تعرضات بصری و فضایی یا استفاده نامتناسب از زمین در محیط‌های پیرامون توجه به هر تحول و ساخت و ساز جدیدی مؤثر بر اعتبار ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث و محیط پیرامون تأکید ویژه بر ضرورت مدیریت و کنترل تغییرات شکل محیط پیرامون ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث مدیریت تغییر ضرورتاً مستلزم پیشگیری یا ایجاد مانع در برابر تغییر نیست احترام به تنوع فرهنگی به عنوان ویژگی متمایز جامعه بشری در شیوه‌های متنوع آفرینش هنری تصدیق اهمیت دانش سنتی، به ویژه نظام دانشی بومیان و سهم مثبت آن در توسعه پایدار</p>	<p>۲۸</p> <p>کنوانسیون پاریس ۲۰۰۵م.</p>	
<p>حراست از خطرات مکان، سرزندگی، تداوم و معنویت آن اهتمام به صیانت از روح مکان سازمان یافته از عناصر ملموس (محوطه‌ها، ابنیه، چشم‌اندازها، مسیرها و اشیا) توجه ویژه نسبت به میراث فرهنگی ناملموس</p>	<p>۲۹</p> <p>بیانیه کبک ۲۰۰۸م.</p>	
<p>توجه به نقش شهروند فعال در حفاظت از میراث فرهنگی ارائه شواهد ملموس از تداوم بین گذشته، حال و آینده احترام به شواهد و دانش باقی مانده مراقبت از اصالت و انسجام (یکپارچگی) مکان‌های میراث تأکید بر حداقل مداخله در مکان واجد ارزش میراث فرهنگی اجتناب از کاستن از بافت یا تغییر در سیما و با فضاهایی که واجد ارزش میراث فرهنگی عدم تجویز خلق مجدد به معنای بازسازی حدسی یک ساختار و یا مکان، تکرار به معنای ایجاد یک کپی از یک ساختار یا مکان موجود و یا سابق، یا ساخت نمونه‌های تعمیم یافته از سیما یا ساختارهای نوعی (معمولی یا تکراری) اولویت روش‌ها و ساختمان‌های سنتی تجویز مصالح با روش‌های ساخت جدید در صورتی که پایداری یا امید به حیات سایت یا مصالح افزایش یافته، مصالح جدید با ساختمان‌های قدیمی سازگار باشند و ارزش‌های میراث فرهنگی مخدوش نگردد تأکید بر ضرورت سازگاری تغییرات یا افزوده‌های جدید با فرم و بافت اصیل مکان حداقلی و قابل بازگشت بودن تغییرات و اضافات و عدم تأثیر نامطلوب بر ارزش‌های میراث فرهنگی پرهیز از تضادهای نامناسب و یا ناسازگار در فرم، مقیاس، توده، رنگ و مصالح نقش تکمیل‌کننده اثر جدید در فرم یا بافت اصیل اولیه توجه به اصالت شواهد مربوطه شامل فرم و طراحی، مواد و بافت، فن‌آوری و ساخت، موقعیت و محیط اطراف، زمینه و ویژگی‌ها، کاربری و عملکرد، سنت‌ها، ذات معنوی و حس مکان توجه به ارزش‌های میراث فرهنگی به معنی در اختیار داشتن ارزش‌های زیبایی‌شناسی، باستان‌شناسی، معماری، یادبود، عملکردی، تاریخی، چشم‌انداز، مونومانی، علمی، اجتماعی، معنوی، نمادین، فن‌آوری، سنتی و یا دیگر ارزش‌های کلکوس یا ناملموس میراث توجه به انسجام به معنای تمامیت یا دست نخوردگی مکان میراثی بازسازی به معنای ساخت دوباره در نزدیک‌ترین حالت ممکن نسبت به فرم ثبت شده پیشین با بکارگیری مواد و مصالح جدید ارزش ملموس به معنی ارزش میراث فرهنگی قابل مشاهده یک مکان از لحاظ فیزیکی از جمله ارزش‌های باستان‌شناسی، معماری، چشم‌انداز، مونومانی، علمی، و یا فن‌آوری</p>	<p>۳۰</p> <p>کنفرانس بلژیوم ۲۰۰۹م.</p> <p>۳۱</p> <p>منشور نیوزیلند ۲۰۱۰م.</p>	
<p>حفظ یکپارچگی با درک اهمیت قبل از هر گونه مداخله اجتناب از اثرات نامناسب توسعه و/یا غفلت اعم از حدس و گمان تعریف حدود برای تغییرات قابل قبول ضرورت احترام نسبت اهمیت فرهنگی سایت میراث احترام نسبت به مقیاس، موقعیت، ترکیب، نسبت، ساختار، ساختمان‌ها، بافت و رنگ سایت میراث قابلیت شناسایی و تشخیص افزوده‌های جدید جنبه تکمیل‌کننده الحاقات و افزوده‌های جدید و عدم رقابت آنها با بخش‌های کهن جذب اثر جدید در زمینه از طریق توجه به شخصیت، مقیاس، فرم، موقعیت، مصالح، رنگ و جزئیات موجود تحلیل دقیق زمینه و ساختمان‌های موجود پیرامون عدم استلزام به تقلید از زمینه ضرورت ارتقا و تقویت اهمیت فرهنگی اثر توسط مداخلات عدم تجویز بازسازی کامل سایت از دست رفته میراث و یا عناصر مهم ساختمانی آنها</p>	<p>۳۲</p> <p>کنفرانس مادرید ۲۰۱۱م.</p>	

<p>اهمیت مستندسازی در جهت یکپارچگی (انسجام) و درک درست از سایت تاریخی</p> <p>توجه به ارزش‌های ناملموس نظیر تداوم و هویت، کاربری سنتی، نقش فضای عمومی در تعاملات اجتماعی، و دیگر عوامل اجتماعی - اقتصادی مانند انسجام (یکپارچگی) و عوامل محیطی</p> <p>اهمیت بخشیدن به مفهوم‌سازی منظر شهری شامل توپوگرافی و خط آسمان آن به عنوان یک کلیت</p> <p>هشدار نسبت به توسعه‌های درشت مقیاس</p> <p>احترام نسبت به ارزش‌های ملموس و ناملموس میراث در حد کیفیت مطلوب زندگی ساکنان</p> <p>توجه به عناصر ملموس علاوه بر ساختار شهری شامل عناصر معماری، مناظر درون و پیرامون شهر، آثار باستانی، چشم‌اندازها، خط آسمان‌ها، خطوط دید و سایت‌های نشانه‌های شهری</p> <p>تعریف عناصر معماری معاصر در احترام به ارزش‌های سایت و ویژگی‌های آن</p> <p>ضرورت توجه مداخلات معماری به ویژگی‌های فضایی، بصری، ویژگی‌های ناملموس و عملکردی توأم با احترام به ارزش‌ها، الگوها و لایه‌های تاریخی</p> <p>شکل‌گیری معماری جدید مطابق با سازمان فضایی پهنه تاریخی و احترام به مورفولوژی تاریخی</p> <p>استفاده از بیان معتبر از گرایش‌های معماری زمان و مکان خویش در طرح بناهای جدید</p> <p>پرهیز از تضاد شدید یا بیش از حد، تکه تکه شدن و ایجاد وقفه در تداوم بافت و فضای شهری</p> <p>اولویت بخشیدن به تداوم ترکیبی که تأثیر نامطلوب بر معماری موجود نمی‌گذارد</p> <p>ترغیب معماران و برنامه‌ریزان شهری به بدست آوردن درک عمیق و درست از زمینه تاریخی</p> <p>ارائه معیارهایی برای مداخله، از قبیل: ارزش‌ها، کیفیت، کمیت، پیوستگی، تعادل و سازگاری، زمان، روش و انتظام علمی و...</p> <p>هدف‌گذاری مداخله در شهرهای تاریخی و مناطق شهری در جهت بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی و کیفیات محیطی</p> <p>اجتناب از تغییرات عمده کمی و کیفی، مگر آنکه نتیجه آشکاری در بهبود محیط شهری و ارزشهای فرهنگی آن داشته باشد</p> <p>مدیریت تغییرات در جهت به حداقل رساندن تغییرات کالبدی و بصری بر منظر شهری و بافت</p> <p>در نظر گرفتن شهرها و نواحی تاریخی در کلیت خود توأم با احترام به بافت اجتماعی و تنوع فرهنگی آنها</p> <p>حفظ بنیان‌های تعادل فضایی، محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در حفاظت از شهر تاریخی</p> <p>لزوم کنترل سرعت تغییرات در شهرهای تاریخی که می‌تواند اثر نامطلوبی بر یکپارچگی تمامی ارزش‌های شهر تاریخی داشته باشد</p> <p>حفظ اصالت و انسجام شهر تاریخی شامل: الگوهای شهری، ساختار قطعات، رابطه توده‌ها و فضاها، فرم و سیمای شهری، رابطه شهر با نواحی شهری پیرامون، سنت‌های فرهنگی و فنون سنتی، رابطه با زمینه و...</p> <p>شکل‌گیری معماری معاصر در پیوستگی و انسجام با طرح فضایی موجود در شهرهای تاریخی</p> <p>احترام به مقیاس سایت و دارا بودن رابطه ای روشن با معماری موجود و الگوهای توسعه زمینه</p> <p>توجه به دورنماها، دیدها (مناظر)، نقاط کانونی و کردورهای بصری به عنوان بخش‌های جدایی‌ناپذیر از ادراک فضاهای تاریخی</p> <p>ضرورت ارزیابی ساختمان جدید در زمینه یا منظر (چشم‌انداز) تاریخی از طریق یک نقطه‌نظر فرمی یا عملکردی</p> <p>معرفی فضای عمومی در شهر تاریخی مکانی برای تفکر، یادگیری و لذت بردن از شهر</p> <p>ضرورت تحلیل و کنترل تعادل میان فضای باز عمومی و محیط متراکم ساخته شده</p>	۲۰۱۱م.	اصول والتا	۳۳
<p>تأکید بر اثرات زیانبار و وسیع جهانی شدن بر ارزش‌های جوامع، هویت و تنوع فرهنگی، میراث فرهنگی ملموس و ناملموس</p> <p>اهمیت میراث فرهنگی در روند توسعه به واسطه ارزش‌های خاص خود در زمینه هویت، حافظه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، حفظ اصالت، یکپارچگی (انسجام) و حسن مکان</p> <p>کنترل و توزیع دوباره شهرسازی و مشخصاً ترویج یک رویکرد هماهنگ، متوازن و منسجم نسبت به خیابان و مناظر خیابانی، توده‌گذاری و ارتفاع در توسعه شهری، احیای اراضی موات شهری و مناطق محیطی شهر، در جهت خلق مجدد محلات چندمنظوره و آراسته شهری و بازگرداندن مفهوم مرزها [لبه‌های شهری</p> <p>امکان الهام گرفتن از معماری بناهای سنتی برای معماری مدرن و خلاقانه به لحاظ ساختمایه‌ها، روش‌های ساخت و ساز، طراحی، و کمک به دستیابی به کیفیت مترقی زندگی</p>	۲۰۱۱م.	منشور ایکوموس	۳۴

۳-۲- تحلیل اولیه و استخراج رهنمودهای اصلی

مورد توجه در اسناد جهانی: از لحاظ محتوا و نحوه هدایت معماری در شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در

بافت‌ها و شهرهای تاریخی، موارد زیر را می‌توان در مصوبات جهانی، برجسته‌تر دانست:

جدول ۲- رهنمودهای منتج از اسناد بین‌المللی در زمینه شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی

ردیف	رهنمودهای کلی منتج از اسناد بین‌المللی در زمینه شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی	جانمایه اصلی
۱	امکان‌پذیر دانستن بهره‌گیری از فنون، ساختمانه‌ها و روش‌های ساخت جدید	ارتقای کیفیات سکونت اعتبار بخشیدن به شیوه بیان تازه
۲	توجه به زمینه و پیرامون اثر تاریخی و اثر جدید اعم از طبیعی و مصنوع	توجه به «زمینه»
۳	توجه به مؤلفه سیما و منظر شهری و انسجام آن	توجه به «زمینه» توجه به سیما و منظر شهر و انسجام
۴	توجه به تداوم در شهر تاریخی میان دوره‌های گذشته، حال و آینده	توجه به تداوم تاریخی الهام از گذشته
۵	پرهیز از تشبیه و تقلید از آثار و بخش‌های تاریخی	الهام از گذشته بدون الزام به تقلید
۶	توجه به نیازهای ساکنان و ارتقای سطح کیفی و به روز نمودن آنها	ارتقای کیفیات سکونت
۷	تأکید بر مستندسازی دقیق پیش از هر گونه مداخله نوسازی	اهتمام به روند علمی و حفظ سوابق
۸	حفاظت از اصالت، هویت و شخصیت ویژه شهر تاریخی	توجه به سیما و منظر شهر و انسجام
۹	امکان‌پذیر دانستن هم‌نشینی معماری مدرن و معماری کهن	اعتبار بخشیدن به شیوه بیان تازه ارتقای کیفیات سکونت
۱۰	توجه به مفهوم مجموعه، بافت و شهر تاریخی و اطلاق مفهوم میراث فرهنگی به آنها	توجه به مفهوم «شهر تاریخی» به مثابه یک کلیت واجد ارزش میراثی
۱۱	تغییرات آرام، ملایم و حداقلی در ساختار شهر تاریخی و پرهیز از تغییرات سریع یا درشت مقیاس	توجه به سیما و منظر شهر و انسجام توجه به تداوم تاریخی ارتقای کیفیات سکونت
۱۲	نگهداری و احیای هنرها و فنون سنتی و اولویت بخشیدن به بهره‌گیری از ساختمانه‌های سنتی و بومی	توجه به تداوم تاریخی الهام از گذشته ارتقای کیفیات سکونت
۱۳	احترام به تنوع فرهنگی و شیوه‌های مختلف بیان و آفرینش هنری و هشدار نسبت به اثرات ناشی از جهانی شدن	توجه به تداوم تاریخی الهام از گذشته بدون الزام به تقلید پرهیز از یکسان سازی
۱۴	توجه به مفهوم، روح، کیفیات و حس مکان و حفاظت از ارزش‌های وابسته به آن	ارتقای کیفیات سکونت توجه به مفهوم «روح مکان»
۱۵	توجه به میراث معنوی و ناملموس، تبیین ارزش‌های آنها و ضرورت حفاظت از آنها در روند مداخلات	توجه به مفهوم و ارزش «میراث معنوی» و ناملموس
۱۶	اولویت بخشیدن به نقش تکمیل‌کنندگی اثر جدید در بافت اصیل تاریخی و جذب آن در زمینه	توجه به سیما و منظر شهر و انسجام توجه به تداوم تاریخی ارتقای کیفیات سکونت
۱۷	قابلیت تمایز و تشخیص ساختارهای جدید میان‌افزا و افزوده‌های جدید	توجه به انسجام در عین پرهیز از التقاط یا اختلاط (تشبیه تاریخی)
۱۸	تأکید بر ضرورت تحلیل، شناخت و به دست آوردن درکی درست از زمینه	توجه به «زمینه» اهتمام به روند علمی طرح و مداخله
۱۹	موضوعیت استفاده از بیان معتبر معماری زمان و مکان خویش در طرح بناهای جدید	اعتبار بخشیدن به شیوه بیان تازه ارتقای کیفیات سکونت
۲۰	الهام‌گیری از معماری و شهر سنتی در شکل‌گیری معماری میان‌افزا و روند توسعه شهر تاریخی در عین خلاقیت	توجه به تداوم تاریخی الهام از گذشته بدون الزام به تقلید اعتبار بخشیدن به شیوه بیان تازه ارتقای کیفیات سکونت

– بررسی روند تغییرات دیدگاه‌ها در اسناد جهانی

چنین به نظر می‌رسد که در گام‌های آغازین شکل‌گیری اجماع‌های جهانی در نحوه مواجهه و مداخله در بافت‌های تاریخی و شهرهای کهن که با کنگره‌های آتن رقم خورده است، به واسطه غلبه نگاه

متجدد مدرنیسم و گردهمایی معماران مدرن، اولویت اصلی به تغییرات متجددانه مدرن داده شده است. لذا مداخله در بناها و بافت‌های تاریخی و دگردیسی آنها در جهت جایگزینی تدریجی با بافت‌ها توسعه‌های جدید تجویز می‌گردد. اما در ادامه راه و با اهمیت

یافتن مقوله میراث فرهنگی و درک ارزش آن و آگاهی از در معرض خطر بودن آثار کهن، به تدوین منشورهای منجر می‌گردد که با دقت ویژه‌ای، حفاظت از آثار معماری کهن را گوشزد می‌کنند. به تدریج توجه به مقوله بافت و مجموعه‌های تاریخی قوت می‌گیرد و ضرورت توجه بیش از پیش نسبت این جلوه‌های میراث در اسناد مربوطه بازتاب می‌یابد. همچنین افزایش توجه به اهمیت و جایگاه بافت‌های کهن و زمینه و پیرامون آنها در عطف توجه به شهر تاریخی معنا می‌یابد. مرور بر تحول منشورهای بین‌المللی، سیر تدریجی آنها به سمت افزایش توجه به مقوله بافت‌ها و هسته‌های تاریخی شهرها را نشان می‌دهد (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۲ و ۸۳). تدریجاً اهتمام نسبت به مقولاتی از قبیل سیمای کالبدی و منظر شهری مورد توجه قرار می‌گیرد و به تدریج موضوعیت منظر فرهنگی شهر تاریخی مطرح می‌گردد. همچنین توجه به مفهوم میراث بومی، ارزش‌های مندرج در آن، تنوع بیانی ناشی از آن، توصیه به اولویت بخشیدن به بهره‌گیری از فنون، دانش‌ها و ساختمایه‌های بومی و نهایتاً هشدار نسبت به اثرات ناشی از بی‌توجهی به تنوع فرهنگ‌های مادی و معنوی بومی و محلی در پرتو جهانی‌سازی در دستور کار گردهمایی‌های صاحب‌نظران جهانی قرار می‌گیرد. از سالهای پایانی قرن بیستم، به تدریج نگاه غالب در کنار ارزش‌های مربوط به وجوه کالبدی میراث، به

سمت ارزش‌های دیگری سوق می‌یابد که غالباً معطوف به وجوه معنوی و ناملموس است. بومی‌گرایی، اهتمام به میراث معنوی، آرام‌سازی تغییرات جدید و نیز توجه به ارزش‌های فراکالبدی و در کنار آنها التفات ویژه به جوامع، ساکنان بومی و شهروندان فعال در حفاظت از ارزش‌های میراث، وجهی لطیف‌تر و انسانی‌تر به مفهوم «حفاظت» بخشیده و آن را در حوزه وسیع‌تری - فراتر از محدوده‌های تاریخی شهرها - گسترانده است.

۴- نتیجه‌گیری

چنان که از بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته در این نوشتار و مرور بر مفاد جداول ارائه شده به دست می‌آید، معاهدات و منشورهای بین‌المللی در ادوار مختلف - مستقیم یا غیر مستقیم و توأم با شدت و ضعف - به مقوله ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی توجه داشته‌اند. نتیجه کلی آنست آنست که در اجماع‌های جهانی که منجر به شکل‌گیری معاهدات و منشورهای بین‌المللی گردیده‌اند، اشاره‌هایی گاه صریح و گاه تلویحی نسبت به چگونگی شکل‌گیری و هدایت بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی صورت گرفته است. مطابق با مفاد جدول (۳)، جمع‌بندی پایانی مبانی طراحی و معیارهایی که از اسناد جهانی در زمینه مورد بحث قابل استنتاج است را می‌توان در چند عبارات کلیدی انشاء نمود:

جدول ۳- مبانی و معیارهای طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی بر اساس اسناد جهانی

درک و شناخت عمیق و عالمانه از «زمینه» و مؤلفه‌های مختلف کالبدی و غیر کالبدی تأثیرگذار آن در طرح بناهای میان‌افزا
اهتمام ویژه نسبت مفهوم «تداوم» در وجوه مختلف کالبدی و غیر کالبدی با اعتبار بخشیدن به شیوه‌های بیان تازه و خلاقانه
برقراری «انسجام» و هماهنگی اجزای جدید و معماری میان‌افزا نسبت به زمینه تاریخی و حفاظت از سیما و منظر شهر تاریخی
لحام‌گیری از الگوهای کهن بومی به منظور حفاظت از ویژگی‌های فرهنگی مکان و هویت بومی بدون الزام به تقلید از گذشته
ارتقای کیفیت زندگی در بافت، تکمیل و ارتقای معماری و شهر تاریخی از طریق طراحی مطلوب معماری بناهای میان‌افزا

۵- پیشنهادها

با توجه به آسیب‌های فراوانی که در طی نزدیک به یک سده اخیر به شهرهای تاریخی ایران وارد آمده است و لطمات جبران‌ناپذیری را به پیکره آنها وارد کرده است، آنچه امروزه به عنوان «شهر تاریخی» در کشور ما قابل جستجو است، بسیار اندک است؛ هرچند حفاظت اصولی همین اندک نیز مغتنم است. هم‌سویی با دیدگاه‌های جهانی و پیروی از رهنمودهای فوق، پیشنهادی است که می‌تواند از گسترش بیشتر آسیب‌ها در بافت‌هایی که تا کنون در برابر نابودی مقاومت نموده‌اند - حداقل در زمینه هدایت ساخت و سازهای جدید - جلوگیری نماید و اقبال عموم نسبت به بافت‌های تاریخی و سکونت در آنها را قوت بخشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که:

۱-۵- بافت‌های یکپارچه و زنده بر جای مانده، به منظور حفاظت هر چه بهتر و بدون ترس از ایجاد محدودیت، مورد ثبت ملی و در صورت امکان، مورد ثبت جهانی قرار گیرند

۲-۵- گام‌های جدی در جهت تدوین منشور ملی حفاظت از شهرهای تاریخی برداشته شود

۳-۵- ضمن تأکید بر ضرورت تدوین شیوه‌نامه‌های لازم، ضرورت دارد وحدت رویه نظری و عملی در زمینه ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی مورد اهتمام قرار گیرد

۴-۵- از مداخلات فاقد کیفیت یا درشت‌مقیاس نوسازی در بافت‌های تاریخی جلوگیری شود

۵-۵- ضمن تأکید بر ضرورت توجه به رویکردهای نظری، لازم است شیوه عمل و تجارب صورت گرفته در کشورهای توسعه یافته نیز - بدون استلزام به هر

گونه تقلید عینی در نظر یا عمل - با دقت مورد مطالعه و بهره‌برداری قرار گیرند.

منابع

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۸)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، تدوین: غلامحسین معماریان، دانشگاه علم و صنعت ایران، اول، تهران، ۳۹۱ص

چراغچی، سوسن (۱۳۸۴)، «بیانیه حفاظت از محیط‌های پیرامون ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراث»، اثر، شمارگان ۳۸ و ۳۹، تهران، صص ۳۷۱-۳۷۴

حبیبی، کیومرث و دیگران (۱۳۸۶)، «بهبودی و نوسازی بافت‌های کهن شهری»، انتخاب، اول، تهران، ۳۵۱ص

حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱)، «مرمت شهری»، انتشارات دانشگاه تهران، اول، تهران، ۲۱۸ص

رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۸)، «برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوریه‌ها، تجربیات و تکنیکها)»، دانشگاه فردوسی مشهد، اول، تهران، ۴۵۲ص

شماعی، علی و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴)، «بهبودی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا»، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۴۰۲ص

عالی، حسین و تاجیک، شهرام (۱۳۸۷)، «مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی»، جهان جام جم، اول، تهران، ۱۸۰ص

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۴)، «باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی»، دانشگاه تهران، سوم، تهران، ۲۹۰ص

- Falamaki, M. (1995). *Regenerating of Historical Buildings and Cities*, University of Tehran Press, Third Edition, 290p.
- Fielden, B., J.Jokilehto (2002). *Management Guidline for Wirlld Cultural Heritage Sites*, Iranian Cultural Heritage Organization Press, First Edition, 211p.
- Ghadiri, B. (2006). *New Constructions in Historic Contexts*, Iran Cultural Studies Press, First Edition, 132p.
- Grutter, J. (1996). *Aesthetics in Architecture*, University of Shahid Beheshti Press, First Editio, 624p.
- Habibi, K., A.Pourahmad and A.Meshkini (2007). *Urban Rehabilitation & Renovation in the Old Textures*, Entekhab Press, First Edition, 351p.
- Habibi, S.M., M.Maghsoudi (2002). *Urban Renovation; International Definitions, Theories, Experiences, Charters & Declarations, Urban Methods and Operations*, University of Tehran Press, First Edition, 218p.
- Jokilehto, J. (2007). *A History of Architectural Conservation*, Translate: M.H.Talebian, Kh.Bahari, Rowzaneh Prass, First Edition, 394p.
- Le Corbusier (2003). *International Congress for Modern Architecture (4th: 1933: Athens, Greece)*, Translate: M.Falamaki, Faza Press, First Edition, 186p.
- Pirnia, M.K (1999). *Introduction to Iranian Islamic Architecture, Codification: Gh.Memarian, University of Scieince&Technology of Iran Press*, First Edition, Tehran, 391p.
- Rahnema, M.R. (2009). *Planning the Middle Areas of the Cities*, Ferdowsi University of Mashhad, First Edition, Tehran, 452p.
- Shammai, A., A.Pourahmad (2005). *Urban Rehabilitation and Renovation; A Geographic Perspective*, University of Tehran Press, First Edition, 402p.
- فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا (۱۳۸۱)، «رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی»، ترجمه سوسن چراغچی، سازمان میراث فرهنگی، اول، تهران، ۲۱۱ص
- قدیری، بهرام (۱۳۸۵)، «ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی»، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، اول، تهران، ۱۳۲ص
- کالینز، پیتسر (۱۳۷۵)، «دگرگونی آرمانها در معماری مدرن، تاریخ تئوری معماری»، مترجم: حسین حسن‌پور، قطره، اول، تهران، ۳۷۴ص
- گروتز، یورگ (۱۳۷۵)، «زیباشناختی در معماری»، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، اول، تهران، ۶۲۴ص
- لوکوربوزیه (۱۳۸۲)، «منشور آتن: چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن»، معرفی و برگردان محمدمنصور فلامکی، فضا، اول، تهران، ۱۸۶ص
- یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۶)، «تاریخ حفاظت معماری»، ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، روزنه، اول، تهران، ۳۹۴ص
- Ali, H., Sh.Tajic (2008). *Restoration and Revitalization of Historic Buildings and Fabrics*, Jahan-e-Jam-e-Jam Press, First Edition, Tehran, 180p.
- Cheraghchi, S (2005). *Xi'an Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas*, Journal of Asar, Vol 38-39: 371-374
- Collins, P. (1996). *Changing Ideals in Modern Architecture*, Ghatreh Press, First Edition, 374p.